

عواید در دروازه شهرها یا در دروازه مرگزی خواه بتوسط نهجولداران مخصوص و خواه بتوسط مامورین نواقل دریاقت میشود (قسم اخیر در صورتی است که اداره مالیات مستقیم این خدمت را به اداره بلدییه واگذار نموده باشد)

از منابع این قسمت هم سالیانه تخمیناً ۱۳۳ میلیون شایدت به صندوق وارد میگردد

عوارض دیگری هم که در درجه دریم اهمیت واقع میشوند جزء حقوق نقدی محسوب میشود از آن جمله حقوق ضمانتی که در شهرهای بزرگ دارای تشکیلات مخصوصی است و بعضی عوارض دیگر از اوزان بازی و شمع و غیره که جزئیات آن ها را از مطالب دور خواهد نمود .
بالاخره عواید فروش توتون و باروت نیز جزء وجوهی است که اقدار دریافت میشود .

يك اداره مخصوصی که جزء وزارت مالییه است مامور تهیه توتون است این اداره بنام کارخانه دولتی نامیده میشود زیرا که سابقاً در موقعی که توتون را میساختند باروت نیز تهیه نموده و کبریت هم در آن محل ساخته میشد از سنه ۱۸۷۴ باروتهای شکاری و باروت برای معادن یا باروت عائی که برای خود دولت لازم است در وزارت جنگ تهیه می شود و اجمع به کبریت هم امتیاز و انحصار آن تا سنه ۱۸۹۰ بیک کمپانی مخصوصی واگذار شده امروزه مستقیماً بتوسط خود دولت اداره میشود توتون و باروت در هر نقطه که ساخته و تهیه شود بتوسط اداره مالیاتهای غیر مستقیم فروش رفته و این اداره در قسم مامورین برای فروش آنها تعیین نموده است :

انبار دارها و فروشندگان جزء

راجع به توتون : انباردار هائیکه در مراکز حوزه های ولایتی هستند محصول مزبور را (توتون) از کارخانجات دولتی اخذ و انبار نموده و بفروشدگان جزء حوزه های خود تدریجا میفروشند قیمت توتون از طرف فروشندگان جزء انباردار ها تقدا پرداخت میشود این قیمت مطابق نرخ تعرفه تیکه جزئی کمتر از قیمت معمولی است که به عامه فروخته میشود معلوم و معین است فرق هابین این دو قیمت (فروش انبار دار ها به فروشندگان جزء و فروش این اشخاص به عامه) انخفیفی است که بفروشدگان جزء داده شده باین معنی فایده و نفع آنها است .

مثلا نسبت به پست ترین توتون ها انبار دار ها از قرار هر کیلو گرام ۱۹۵۰ فرانک بفروشدگان جزء فروخته و این اشخاص از قرار ۱۲۵۰ فرانک (مطابق نرخ چنایی بر روی پاکت ها) عامه میفروشند پس فایده آنها يك فرانک در کیلو گرم بوده یعنی در حقیقت از روی میزان ۸۶۹ درصد است که از انواع دیگر توتون نیز بفروشدگان جزء تخفیف داده شده در نتیجه آن است که از فروش کلیه ۳۲۳ میلیون فرانک توتون بفروشدگان جزء سی میلیون فرانک تخفیف میباشند خود قسمت میباشند

چنانچه فروش توتون بطور مزایده میبود و از طرف دولت صدی چند نفع فروشندگان جزء معین نمیکردند و بطور آزاد هر کس از دولت خریداری مینمود در حالیکه این ترتیب برای فروش مال المنجازه های زیاد تر از هزار فرانک بسیار هم سهل است خزانه مملکت از این موضوع منافع بیشتری تحصیل نموده و فایده آنها از حیث پول و هم از حیث حسن اداره برترتیب حالیه ترجیح داشت مدت زمانى است که این پیشنهاد شده ولی با وجود تغییرات که در سیاست حاصل شده است باز گمان نداریم که بزودی این رفورم مورد بحث و موقع اجرا گذارده

شود. (مقصود از پیشنهاد مزبور این بوده است که مردم آزاد بوده و از میزان تبعی که دولت معین کرده چون رقابت در کار میآید هر کس برای صرفه خود ارزاقتر قبول میکند).

در خصوص باروت برای معادن و شکار که فروش آنها خیلی کمتر از نوتون است (۱۰ تا ۱۴ میلیون عایدی غرب در نرفته) بوسیله همان اربابدارها که فعلاً شرح آنرا دادیم از وزارت جنگ (چلیک ها) بسته های بزرگ و جعبه های سر بسته و بقیمت نقد بفروشدگان جزء می فروشند.

نسبت مکبریت مطابق تشکیلات جدید از موقعی که مجدداً انحصار آن در دست خود دولت قرار گرفته از کاخانه مستقیماً بشمار بطور کلی فروخته میشود.

حقوق باعوارض اقدی (یعنی آنها تیکه تیکه در موقع عملی مامورین دولت تحویل میشود) در اداره مالیاتهای غیر مستقیم یک رشته عایدات بسیار مهمی است زیرا مبلغ آن از ۶۰۰ میلیون تجاوز و ترتیب اداره آن بسیار سهل است و جدولداران مختلفه و ارباب دارها در دوائر خود منتظر مالیات دهندگان هستند که در عوض پول نقد که دریافت میدارند (اجازه نامه و تمبر و غیره) یا محصول تقاضا شده را (نوتون و غیره) تسلیم نمایند هیچ مالیاتی از این ساده تر نیست و چنانچه در عقب سر مامورینی که راحت در در این خود داشته مامورین دیگری با قوانین سخت جزائی وجود نداشت که با میل یابی میل مالیات دهندگان را مجبور بحصول در این مالیه نموده تا خودشان تقاضای ترتیبات و تشریفات اداره را بنمایند میتوانستیم تصور نمائیم که این عایدات یک مالیات از روی میلی است که خود بخود در صندوق تحویل میشود.

۲ - حقوق مشخصه و ثابتة

تعمین عوارض در حقیقت ما را بطرف يك طبقه مامورین جدید دیگری سوق میدهد این طبقه مامورینی هستند که در عقب مالیات دهندہ بمالك شخصی آورفته داخل خانه او شده مالیات را در زیر زمین و سرداب ها و مغازه های مالیات دهندہ جستجو کرده مالیات دهندہ را در سراهای بزرگ یاد در دروازه های شهر ها گیر آورده و عبارت اخیری هر نقطه که وجود آنها برای حفظ منافع مالیاتی لازم باشد حاضر میشود این مامورین در دهات بنام تحویلداران سیار روزی مراکز مهم بنام (کنترلر) یا رئیس شعبه نامیده میشوند .

عدد حوزه های مالیاتی تحویلدار سیار تقریباً دو هزار و چون هر يك از تحویلداران دارای يك دفتر منشی مالیات هم هستند عدد مامورین به * * * تقریباً بالغ است بعضی از این تحویلداران پیاده و بعضی دیگر سواره هستند . طبقه حوزه های تحویلداران پیاده کوچکتر از حوزه های مالیاتی تحویلداران سواره است این دو مامور تحویلدار و ثبات او که در حوزه های خود گردش میکنند حقوق دولت را تثبیت نموده و پس از آن دریافت میکنند پس برقراری جزء جمع مالیاتی و وصول آن هر دو مطلب در دست خود آنها است .

از نقطه نظر تثبیت حقوق وظیفه اول آنها عبارت از يك نظارت عمومی است که در راههای عمومی کوچه ها میدانها شاهراهها و غیره در موقع حمل اشیاء مالیات بده بعمل می آورند تقطیع و نظارت این مسئله برای آنستکه اشیاء مزبور اجازه نامه ها و اوراق بیان نامها را مطابق نظامنامه های مقررہ دارا باشند این مواظبت مالیات دهندگان را مجبور مینماید (چنانکه قبلاً بیان کردیم) که قبل از وقت اوراق و اجازه

نامه های لازمه را تهیه نموده باشند در صورت كشف يك خلاف قانون وقاچاقی نحو یلداران بموجب قانون دارای صلاحیت آن هستند كه صورت مجلس بر ضد قاقچاق كنند گن تنظیم نموده (صورت مجلس مزبور از طرف محاکمات قبول میشود تا وقتیکه خلاف آن ثابت شود) را اشیاء را ضبط و موافق قانون عوارض متعلقه بآنها وصول نمایند . گردش های تحصیلداران در روز شب و ساعات و ایام مختلفه در حوزه های متعلق بهریك و مخصوصا در نقاط مظنون رافع میگردد مبنی و اساس مسئله بسته بفعالیت مامورین و كثرت عوارض مربوط باعمال آنها است اداره نیز باین موضوع علاقه دارد ولی چگونگی خود را از انجام و وظایف و مواظبت و نظارت دقیق مامورین مطمئن نموده و چگونه رفتار مامورین را كه دوری از مركز يك نوع استقلالی بآنها میدهد تعقیب و تفتیش نماید ؟ اداره قدیم نظر بانجام این مقصود بهترین و دقیق ترین كنترل و نظارتی را پیش گرفته است .

در هر يك از دوائر عایدات سیار يك دفترى موجود است كه نحو یلدار قبل از حرکت مدت بلوك گردشى و خط حرکت خود را در آن كتاب یادداشت مینمایند در مراجعت نیز تا بیجاییكه از ماموریت حاصل شده است در آن دفتر ثبت مینمایند . این دفتر اساس عمده تحقیقاتی است كه در باره نحو یلداران سیار میتوان نمود .

از موقعیکه يكى از مفتشین غفلتاً بر میرسد اولین دفتر مواظبت مفتش رسیدگى بدفتر مزبور است تا اینكه فوراً بمحل رفته و مطمئن بشود كه آیا نحو یلدار در نقطه مندرجه در كتاب حاضر و بهمان ترتیب رفتار نموده است :

بعلاوه تمام فرزندكان نوتون يك دفتر دیگری بشام ۳۰ ر ۸۶

دارا هستند که تحویلداران بسیار به محض ورود در محل مأموریت بایستی امضای خود را در دفتر مزبور قید نمایند و پس از آن خلاصه از دفتر یادداشت نموده و با امضای نبات خود رسانیده و بلافاصله بعنوان مدیر به صندوق پست می اندازند امیر پست نیز تصدیق تاریخ حضور تحویلدار را مینماید. مدیر های ولایتی که یادداشتهای مختلفه را جمع آوری مینمایند با مطابقت با دفتر اولیه اطمینان از سیر و گردش تحویلداران بسیار حاصل مینمایند.

در بین راه نیز ممکن است که وقایعی رخ داده و تحویلداران بار های مشروب و اشیاء مالیات بند را بازدید نمایند در اینصورت تحویل داران باید با تاریخ اجازه نامه های مقرر را امضاء نموده و بعد ها بایستی این ملاحظات را نیز بدفتر خود اضافه نمایند. بالاخره شکل کار و تاریخ و ساعتیکه صورت مجاری نوشته میشود خود شاهد حقیقت مسئله خواهد بود. برای اینکه اقلاً خیال موهوم نبودن و موفق شدن قاچاق هم بشود تحویلداران ناچاراً کم یا بیش خلاف قوانین ثابت نموده و انجام این وظیفه در اغلب از مواقع علامت حسن خدمت و درستکاری مأمورین است.

بواسطه اینست چند مثل فوق میتوان استنباط نمود که اداره کنترل دقیق داشته و تحویلداران سیار را با وجود انزوا و دوری از مرکز بقدر امکان مجبور نموده است که وظایف مواظبت و دقت عمومی خود را انجام دهند.

وظایف تحویلداران بیشتر واضح و قطعی است در موقعی که موضوع مطالب ممیزی و سرو کار آنها با مالیات دهندگان مختلفه ایست که عدد آنها در فرانسه بیش از ۴۵۰۰۰۰ است هر حوزه تحویلدار سیار

قسمت خود را دارا و برای آنکه مرتباً شروع بعمل نماید قسمت خود را تقسیم نموده و برای هر قسمتی يك گردش و دوره معینی قرار داده است. این دوره و گردشها در ظرف يك هفته تقریباً در تمام حوزه تعویلمدار واقع میگردد.

در موقع حرکت چنانکه قبلاً گفتیم تعویلمدار ابتدا در دفتر نمره گردش و دوره گیرا که شروع خواهد نمود تعیین نموده و موضوع حرکت را نیز در آن دفتر قید مینماید. به ورود در محل پس از امضای دفتر مربوطه و فرستادن یادداشت توسط پست بعنوان حدیث شروع به عملیات مینماید.

با داشتن اسباب و لوازم کار تعویلمدار نزد فروشندگان مشروب رفته با تعیین مقدار مشروب و شماره چلیکها و بطریها حقوق دولت را معلوم و وظایف خود را انجام میدهند.

پس از آن تعویلمداران اغلب از مالیات دهندگان دیگر را باز دید نموده (از قبیل اشخاصیکه وسایط اقلیه گرایه نگاهداری مینمایند یا آبجو فروشها یا تجار سرکه و شمع و غیره) پس اوضاع فروش توتون و بار دیگر در نزد فروشندگان جزء اطلاع حاصل نموده و بالاخره دفتر تعویلمداران ناشر اسفحه بصفحه رسیدگی جمعها را میزان بندی و جمع کل را معلوم و مبلغی که باید بصندوق تعویل شود اخذ و همراه می برد *

بطور خلاصه و در روی خطوط اصلی شغل تعویلمدار بسیار در موقع دوره گردش پوهیه بترتیب فوق بوده و پس از آنکه عصر بدفتر خود مراجعت مینماید نتایج عملیات مختلفه خود را در دفتر خود یادداشت می نماید *

بملازمه در موقع عبور از ملك بلوك ببلوك ديگر در سر راه استفاده از مواظبت مخصوص در حمل و نقل اشیاء نموده و وظایفی را که در آن موضوع دراست تکمیل مینمایند .

در آخر هر سه ماه که معاملات مالیات دهندگان در دفاتر کوچک معین و بسته شده بر اساسنامه های شخصی بهر يك تسلیم شده است یکدوره و گردش آخری تمام وصول شروع و در آن دوره و گردش معمولداران در منازل رد کابین مالیات دهندگان مبلغ بدهی مالیاتی آنها را دریافت مینمایند .

در اینجا وظیفه رؤسای مالیه مربوط بتحويلات از آن به پار گردیده و چنانچه مالیات دهندة از پرداخت بدهی خود استنکاف نمایند عقوبات لازم در مورد او عمل میآید و در صورتیکه مسامحه از طرف معمولدار شده و موافق نظامنامه در مواقع لازم، ضایع مالیات شده باشد تحویل دارمسؤل خواهد بود بعدها در موضوع درجه - اولیت تحویلدار، مراجعه و شرح آن داده خواهد شد .

در موقعی که مالیات دهندگان بدهی خود را میپردازند (و خوش بختانه این ترتیب عادی است) تحویلداران برای مبلغ پرداخته شده قبض رسید میدهند این قبض رسید دارای تفسوس است پس از مراجعت از دوره و بلوك گردش در دفاتر مختلفه و یادداشتهای محاسبات خود مطابق ترتیب عفره عایدانرا ثبت مینمایند .

رجوهات مزبور مدت زمانی در صندوق معاند و اغلب ماهیانه بروسای ولایتی معمول میشود قبوض رومار، مالیه مثل وجوه نقدی در دفاتر عایدات اداره مالیات غیر مستقیم هرگز ثبت حاصل نموده و به موجب آن قبوض معاملات عایدات تحویلداران سیار را که در جهت اداره

هستند ثابت و ضبط مینمایند .

در شهر ها چنانکه قبلا بیان شد تحویلداران سیار شفاهی نداشته
کنترلر های با روسای دوایر انجام ثبت و وصول مالیات را مینمایند .
وظایف مامورین شهری را جمع بشبیت عوارض مالیاتی تقریبا
وافق همان وظایف تحویلداران سیار است باستثنای تاسیسات و کار
خانجات عمده ثبکه البته در شهر ها وجود داشته و مورد اهمیت هستند
لی نسبت به وصول مالیات وضعیت تغییر حاصل مینمایند ، در حقیقت
کنترلر های با روسای دوایر خود شخصا مثل تحویلداران سیار عوارض ثابت
را وصول نمی نمایند و طبقه آنها فقط بازدید و نظارت در امور یعنی
رقراری و تنظیم جمع مالیاتی است .

مامورین دیگری بنام تحویلداران ثابت وجودهرا که به مالیات
دهندگان (بموجب اخطار به هائی که از طرف دائره اجرا ابلاغ شده
است) تحویل میدهند دریافت مینمایند این تحویلداران ثابت قبوض
رسید و جوهر را داده دفاتر را نگاهداری و در صورت لزوم تعقیب و وصول
نقایار را نموده و وجوه دریافتی را به مافوق خود تحویل مینمایند * و
بالاخره وظیفه ثبکه در موضوع وصول مالیات توسط تحویلداران سیار
در باوگ بعمل می آمده در شهر ها بتوسط تحویلداران ثابت انجام
می پذیرد *

تشکیلات مالیه مالیات هائی غیر مستقیم نیز همینکه وسعت حاصل
ده یعنی در محلها ثبکه بتوان با اداره آن وسعت داد حالت و وضعیت
پایتهای مستقیم را در دو رشته جدا بودن مامورین تشخیص و دریافت
بذات حاصل خواهند نمود .

۳ - مفتشین و مدیر ما - خلاصه ادارہ مالیات‌های

غیر مستقیم

ما فوق مامورین اجرا (تعمیرکنندگان سیار در بلوک و کنترولرها و روسای درایر در شهرها) که مستقیماً با مالیات دهندگان طرف رابطه و معامله هستند مفتشین ولایتی هستند

مفتشین از ولایت قطع در ولایت گردش نموده و در مواقع معینه چند روز متوالی در هر یک از حوزه‌های کنترول یا رئیس دایره یا تعمیرکار سیار توقف کرده و موقتاً کارها را اداره و مخصوصاً در آن نقطه امور را کنترول و تقشیش مینمایند مامورین زیر دستان خود را در اجرای امور راجعه راهنمایی نموده و شخصاً اطمینان حاصل مینمایند که آنها امور مرجوعه قبلی از عبور او هم مرتباً بموقع اجرا گذاشته شده است در سه محل نیز با داشتن دفتر کوچک (که غالباً سه رطل است) مفتش مذکور معاملات را که خود نموده یا مساملاتی که قبل از او توسط مامورین زیر دست انجام داده اند مطابقت کرده و چنانچه در معاملات مامورین جزء خلاف ترتیب یا خارج حدود عادی یا مطالب غیر قابل توضیحی وجود داشته باشد معلوم و آشکار مینماید. و به این ترتیب خیلی از بی‌انانی‌ها و فراموشکاری‌ها واضح می‌شود. علاوه بر مفتش شکایات و اعتراضات دالایات دهندگان را نیز استماع نموده خلاصه این اطلاعات را در یک راپرتی به مدیر اداره ولایتی تقدیم مینماید و بعد از تحقیقات و تقشیشات مفتشین مقرر رفتار مامورین جزء در عباد آنها کاملاً معلوم و هویدا است.

مدیر ولایتی از مقرر و مرکز خود دالماً مراقبت در کنترل و
تفتیش مفتش هیتماید این روسای ولایتی خود شخصاً یا بتوسط مفتشی
های خود دفاتر کوچک (قابل حمل و نقل) را رسیدگی نموده و متدرجات
آنها را با دفاتر تحویلداران و نه سوشها مطابقت نموده و مخصوصاً در مواقع
تعمیر و ارسال و جرم و نقل و انتقال وجوه اشتباهانی، بهر حال یا عمداً اگر
بمیان بیاید فوراً ملاحظت و موقوف میشود بالآخره در مواقع معینه نیز
عموماً هر ماه نوشتنیاییکه مخصوصاً مربوط به موضوع کنترل است از
مامور جزء مدیرها میرسد

مراجعه این نوشتجات تدقیق در مطابقت و تناسب این اسناد به
یکدیگر و بازدیدهای غیر مترقبه غالباً سبب آن است که اغلب بی
ترتیبی ها کشف و جلوگیری از معایب میشود .

میتوان بطور خلاصه این طور بیان نمود که کثرت و شدت کنترل
اساس تشکیلات مالیاتهای غیر مستقیم است . مافوق یکمرتبه اول و
ابتدائی مأمورین که دارای قدرت کاملی هستند و منافع و عواید خزانه
را در تحت مسئولیت خود گرفته و شخصاً ابتکار در ایجاد مالیات داشته
و تقریباً رئیس مطلق حوزه خود هستند یکمرتبه مأمورین دیگری
برای تحقیق و رسیدگی امور آنها وجود دارد که لا ینقطع کنترل
نظارت و تفتیش نموده و مأمورین ابتدائی مذکور قبل را مجبور نمیشی
طریق راست نموده و اگر خطائی سر بزده بموقع خاطر نشان و جبران
کرده و باین ترتیب بقدر امکان اجرای قانون بودجه را تعیین
می نماید .

اجرای قانون بودجه با وجود اشکالات و هر نوع احتمالاتیکه ممکن
است واقع شود باز منتهی به تایید رضایت بخشی میگردد زیرا متجاوزان

از ۷۳۰ میلیون تخمیناً حقوق و عوارض نقدی و ۳۶۰ میلیون تقریباً حقوق ثابت که رویه رفته سالیانه بیش از يك مليارد فرانك است به صندوق وارد شده و از کلیه این مالیات در آخر سنه مالیه شایدشش اهفت مليون فرانك فقط بقایای عملی داشته باشد .

در تشکیلات اداره گمرکات و ثبت اسناد نیز همین صفت مخصوصی وجود و تثبیت حقوق دولت و دریافت آن در ید قدرت يك مانعور است برأ همان مامور حق تعیین مبلغ مالیات را داشته و اخذ حقوق دولت را با خود او است ختھی تاسیس يك كمترل سخت و شدیددی نیز رای تحقیق امور مامورین لازم الملزوم این ترتیب است .

فصل بیست و یکم

دریافت حقوق ثبت اسناد و حقوق گمرکی

تفتیش کل مالیه

- * اول - اداره ثبت اسناد * وظایف تعویضدار در هر بلوک : اخذ اظهارنامه‌ها ثبت اسناد و معاملات * تجسس دزدی و تقلب - منشون جزء صفحه به صفحه احوال تعویضاری را باز دید مینمایند * اوصاف مخصوصه تعقیب و رسیدگی آنها معتمدین از روی دلیل تعقیب و رسیدگی میباشد * مدیرهای ولایتی *
- * دوم - اداره گمرکات - قسمت تاجت * تشکیل دفاتر گمرکی بر حسب اهمیت موقع هر يك از آنها بازدید و دریافت عوارض * مفتشین و معتمدین جزء
- * ث - تعویضداران عمده و تعویضداران زیر دست *
- قسمت سیار مستحقظین سواره * دستجات کوچک مواظبتهای شیامه روزی تعقیقات و رسیدگی از وظایف صاحبان منصبان جزءه شین حوزه ها *
- مدیرهای ایالتی *
- ث سوم - اوصاف مشخصه تشکیل ادارات دواير مالیه‌های غیر مستقیم و مالیه‌های مستقیم *
- ث چهارم - تفتیش کل مالیه * درجه اهمیت کنترل تفتیش کل مالیه از دوره جدید
- گردش های سالیانه * مامورینهای مخصوصه مامورینی که تحت تعقیب و رسیدگی مفتشین واقع هستند *

* اول - اداره ثبت اسناد

اداره ثبت اسناد املاك و نمبر ۶ مامور دریافت حقوق ثبت اسناد
نمبر ۰ .

(نقل و انتقال) رهن ۳ در صد از قیمت اذنيه و منافع املاك
تخمیناً ۸۰۰ میلیون عیندی داشته و چنانکه ملاحظه میشود این اداره
نیز تقریباً نزدیک بیک میلیارد عواید مالیاتهای غیر مستقیم در سال
معامله مینماید .

مشهدبان ثبت و دریافت این هشتصد میلیون خیلی ساده تر از
تشکیلات مالیاتهای غیر مستقیم است و باین مناسبت شرح و بیان آن
نیز آسانتر میباشد

درجه آخر مامورین یعنی اشخاصیکه مستقیماً با عواید طرفه هر امطنه
و معامله هستند عبارت از تجویلداران ثبت اسناد است که در تمام خالك
فرانسه بخش شده اند برای هر بلوك يك تجویلدار معین گردیده اند
بعلاوه عدده زیاد تجویلداران شهرهای بزرگ کلیتاً عدده آنها ۴۳۶۰
تجویلدار بالغ است (بودجه ۱۸۹۱ - ۱۸۹۲) .

شغل اساسی این مامورین عبارت از اخذ اظهار نامه های مالیات
دهندگان و ثبت معاملاتی است که از طرف مامورین رسمی وزارتخانه
یا طرفین معامله بآنها پیشنهاد شده و دریافت حقوق متعلقه بآنها است
بیان این جمله تقریباً خلاصه وظایف و خدمات مامورین مزبور را معلوم
و واضح مینماید

تجویلدار ثبت اسناد تثبیت حقوق دولت را سوده و در همان موقع
نیز حقوق مزبوره را دریافت میدارد پس هر دو عمل در دست مامور

مزدور بوده و فقط کسی است که عامه با او سروکار دارد و بهمین مناسبت همیشه ایستمی در دفتر خود حاضر باشد این نحو بلندار مثل نحو بلنداران سیار بیمان گرد نبوده نه سوارده و نه پیاده دوره و گردشی را محتاج نیست بلکه در دفتر خود از ساعت ۸ صبح تا ۴ ساعت بعد از ظهر بدون تقیید در تمام ایام استثناء اعیان و روزهای یکشنبه حضور به مبرساند و مخصوصاً این مطلب همینطور در قانون سال هفتم جمهوریت تصریح شده است. (۱)

اگرچه نحو بلندار در این اداره در اطاق خود نشسته ولی باز چلو گیری از دزدی و تقلبات میکند و چلوه گیری از دزدی را در عومش صحرا در اطاق و در دفتر مینماید یک دفتر کل حساب جاری برای تمام مالیات دهندگان نگاهداشته و در آن دفتر معاملات حسابیه و گذشته را قید و اعمالیکه در بکر روزی ممکن است سبب ایجاد تشریفات حقوقی برای دولت بشود در آنجا مندرج است. این محاسبه سر باز نه فقط از روی اطلاع نی است بلکه نحو بلندار در حوزه ماموریت خود تحصیل مینماید بلکه واسطه اطلاعاتیکه از هر گوشه فراسه از ماموران او میرسد تشکیل میشود و بهمین نقطه نظر یک ترتیب احواله و سبب اطلاع حائین تمام در ابر نحو بلنداری ایجاد گردیده و در حقیقت موضوع اساس اطلاعات و مخارانی است که مامورین با یکدیگر می نمایند همیشه موعده پرداخت وجهی سر رسیده حساب جزئی مالیات دهندده رجوع گردیده و بقیه بدهی او باز چه پرداختنی معلقه و مقایسه

(۱) بوشهرن روز یکشنبه مناسبت ترجمه است والا محقق است

که در ایران باستانی چنانکه معمول و رسم دینی است جمعه ها را باید تعطیل نمایند

میشود از مطابقت این حساب غالباً کشفی حاصل گردیده یعنی سبب اطلاع از فراموشکاریهای عمدی یا سهوی است عادیترین مواقع موعود پرداخت وجوه مناسفانه همانا موقع فوت کسی است که اداره مالیات در کمین بوده و آن موقع مساعد را برای اخذ يك قسمت عمده میراث متوفی انتظار میکشد .

جدول ارث و میراث این مسئله را خوب میفهماند که آیا در ارث در مواقع مقرر قانون بیان نامه های خود را اداره تسلیم نموده و دفتر دار کل نیز دارای اطلاعات لازم بوده و مسبوق است که تمام دارائی متوفی در بیان نامه فید گردیده و آیا قیمت های مرقوم در اظهار نامه مطابق با تقویم اداره میشود .

هر معامله و عملی که اداره ثبت اسناد رجوع میشود سبب تحقیقات شبیه به مطالب فوق گردیده و بالاخره چنانچه فراموشی جهواً یا عمداً در مطالب شده باشد کاملاً واضح میگردد اسناد و نوشتهجات خود کنترل هم دیگر را نموده و چنانچه در تحریر قرار نامه ها و کتبات آنها يك کلمه فراموش بشود و از قلم بیفتند (چنانکه غالباً از قلم نقریر نویسی های گیج و کند ذهن افتاده است) مأمور باعوش رن کی را در سر رد و نشانه ماسخ فیه میگنارد. در بازو ديك حادثه يابك مرافعه کهنه کار های کتمان شده و نزدی های در پس پرده را علنی و آشکارا مینماید معمولی دار دقیق و مواظب منافع و عواید خزانه مملکت فوراً سر میرسد خلاصه در این اداره نیز مثل اداره مالیات غیر مستقیم و او اینکه از راه دیگر باشد مأمورین محلی قسمت عمده مالیات را ایجاد نموده و بهمین مناسبت يك کنترل کامل را محتاج است

در دواير ثبت اسناد کنترل وضع و ترتیب مخصوصاً شامل است

اداره مالیات غیر مستقیم در محل و بموقع خود عبور و معاملات سربرج و فراری را دنبال نموده و حال آنکه اداره ثبت اسناد در سر فرصت دفاتر و اسناد ثابت و مرتب را تفتیش و جستجو نموده و این اسناد و نوشته‌جات همیشه برای تحقیقات لازم در تحت اداره و اراده تحقیق گنمده موجود و مهیا است تحویلداران و مأمورین مافوق آنها مختار و مقتدرند که در مواقع لزوم و فرصت مراجعه معاملات قبل نموده و بدون ترس اینکه اساس و لوازم کار از دست برود چنانچه اشتباهانی باشد اصلاح نمایند ثبت و درج مطالب در دفاتر سبب تسهیل کار بوده و بنا بر این کنترل اداره ثبت اسناد میتواند چندی در مرتبه توسط مأمورین مختلفه هر معامله را تجدید نظر و تفتیش نماید :

دو طبقه از مأمورین مافوق مراجعه و بازدید معاملات تحویلدار را مینماید : این دو طبقه مأمورین ابتدا عبارت از معاونین مفتشین و بعد خود مفتشین است .

معاونین مفتشین (یا مفتشین جزء که عدد آنها ۲۸۱ و معمولاً برای هر ولایت ۴ یا ۵ نفر معین میشود) دارای وظیفه مخصوصی هستند که دفاتر تحویلداران را صفحه بصفحه رسیدگی نمایند بدون آنکه هیچ صفحه از نظر فراموش شده باشد آنها بطور امتحان بعضی از مسائل دفاتر را رسیدگی نموده بلکه بطور ترتیب از ابتدا تا انتها مراجعه می نمایند . مفتشین جزء ارقام محاسبات را رسیدگی نموده و تمام محاسبات با مالیات دهندگان را چه در خود دایره چه در خارج و چه در اقبالیات عمومی و چه در نزد تقریر نویس ها و غیره مجدداً رسیدگی میکنند نتیجه این تفتیش و رسیدگی نه فقط سبب آنستکه خطایا فراموشی در معاملات ملاحظه میشود بلکه نکاتی که تا آنوقت در محاسبات ملاحظه

کشف و ثابت میگردد يك مفتش جزء همیشه مقید است که در
 لیاقت خود را بواسطه کشف مسائل مجهوله برعهه بروز و ظهور برسا
 پس از توقف در دایره محل مفتش (که بر حسب اهمیت محل غالباً
 یکماه توقف میشود) مفتش جزء تا آخرین صفحه نیکه دفاتر را رسیدگی
 نموده رسماً تعیین مینماید تا مسؤلیت او در حدود خود معلوم و
 جانشین او نیز بداند از کدام نقطه باید شروع رسیدگی نماید .

پس از مفتشین جزء که تحقیقات و رسیدگی از عملیات تحویل
 دار را قدم بقدم تجدید نظر نموده است مفتشین در مأمور مذکور
 قبل را دفعه واحده کنترل مینمایند . در کلیه فرائض ۹۲ نفر مفتش
 ثبت اسناد وجود دارد که برای هر ولایت بکثیر مأمور و در شهرهای
 بزرگ نیز يك نفر دیگر ضمیمه مفتش مزیور میشود بطور حده متوسط
 هر مفتش تقریباً چهل تا بیست یا شصت واریاد در امر ثبت اسناد
 بهمین مناسبت مفتش مأمور امتحان و با یک عوینی و تکلفات فخر موارده
 مظنون را تحقیق و رسیدگی میکنند مدیر کل اداره ثبت اسناد این
 طور بیان نموده که با وجود نجسبات تحویلداران و تحقیقات مفتشین
 جزء باز کنترل مأمور سیم (مفتش) فوایدی را حاصل مینمایند مدیر
 کل ثبت اسناد در جلسه نمایندگان ۱۸ فوریه ۱۸۸۸ میگوید : هر
 مفتش بطور متوسط ۶۵۰۰ قرانک مواجب داشته و بواسطه اکتشافات
 او از ۱۱ تا هزار ۱۲ قرانک بخزانة مملکت عاید میشود .

بعلاوه کنترل هائیکه در محل انجام میشود تحویلداران از
 اسناد باستانی مثل مأمورین «حسابات تمام ادارات دیگر در مواقع معینه
 صورتهای مختلفه و جدولهای لازم از اوضاع اداره تهیه و تنظیم نموده
 در ای مدیر ولایتی ارسال دارند در صورتهای مزبور زرفی و کنترل عواید

و مبلغ وصولی تعیین میشود .

مدیر ولایتی ثبت اسناد که رئیس تمام حوزهاست از ملاحظه این صورتهای و جدولها کم یا بیش درجه لیاقت و حسن خدمت مامورین را در وصول مالیاتها و تجسس دزدی ها و تعقیب و تسویه اکتشافات و غیره دانسته و در هر موضوع که لازم باشد ملاحظات خود را بمامورین جزء اظهار و توضیحات لازم را خواستار میشود . در مواقع ضرورت نیز شخصا بعضی از شعب را تفتیش و در سر محل تحقیقات بعمل می آورد و بملازمه چون محاسب کل ولایتی در تشکیلات ثبت اسناد نیست خود مدیر ولایتی محاسبات تمام تعویذداران را مرکزیت داده و خلاصه آن را برای دیوان محاسبات ارسال میدارد .

از اداره ولایتی احکام برای مفتشین و مفتشین جزء ارسال و راپرتهای مامورین با اداره مزبور رسیده و از آنجا با اداره کل مرکزی فرستاده میشود و جواب ها نیز از اداره مرکزی بآنجا ارسال میگردد مدیرهای ثبت اسناد نیز بطور کلی مثل سایر مدیرهای ولایتی طرفی مربوط با مقامات مختلفه بوده و فقط آنها هستند که با اداره مرکزی مکاتبه می نمایند .

* اداره گمرکات

اداره گمرکات مامور دریافت حقوق و عوارض است که بر روی مال الزبحاره از روی تعرفه در ورود آنها بمملکت یا در خروج آنها از مملکت مقرر شده و نیز مامور دریافت عوارض بر روی املاک در محوطه سرحدی است .

در اداره گمرکات مخصوصا در قسمت سیار عملیات و حرکات

مامورین زیاد است ما ابتدا از قسمت ثابت اداره شروع می‌نمائیم +
این فقط قسمتی است که شاید قاطعاً در آن وجود نداشته باشد.
مامورین قسمت ثابت اداره گمرکات، بازدید مال التجاره و دریافت
حقوق دولتی را در همان دوایر گمرکی انجام و موقع اجرا می‌گذارند
این دوایر گمرکی در سرراهها واقع و یا در شهرهای مرزی که خطوط
اصلی راههای آهن آن شهرها واصل و منتهی میشود در قرار گردید،
است -

قسمت ثابت ادو رشته و شعبه مشخص تقسیم میشود ابتدا بازدید
و بعد دریافت.

در دوایر نزدیک گمرکی مامورین بازدید که در تحت او امر
مفتشین یا مفتشین جزء هستید اظهار نامه های وارد کننده یا صادر
کننده مال التجاره را دریافت و تحقیق و رسیدگی در باره آنها بعمل
میآورند این تحقیق و رسیدگی بطور تام و تمام یا بطور امتحان عبارت
از امتحان نمودن اجزیه و وزن کردن یا اندازه گرفتن و شماردن اشیا
مندرجه در اظهار نامه است مطابق نتیجه اطلاعات و رسیدگی لازم
مامورین بازدید حقوق گمرکی را معلوم و بدست مالیات بد
صورت و بادهاشتی که میزان بدهی از در آن صورت معین شده است
تسلیم می‌نمایند.

(این مسئله محتاج بیان مفصلی نیست که ترانس مذکور
دریافت حقوق گمرکی در صورت مصرف مال الاجاره در داخله مملکت
یا صدور از مملکت است و الاموارد ترانزیت با امانت مقررات مخصوصه
دارد که موافق نظامنامه مردوله معمول و مجری است)
پس از آن شعبه دیگر قسمت ثابت (همیشه در گمرکات مهمه

که مأمور دریافت حقوق گمرکی است مداخله در امر مینماید ریاست این شعبه با نحو بلندار کل است .
 (نسبت باسامی مأمورین گمرکی نیز تا درجه امکان مطابقت با اسامی معموله در ایران شده است) نحو بلندار مزبور منطبق مندرجه در صورت مرقومه مأمور بازدیدراخذ و در دفاتر خود ثبت مینماید پس اگر اهمیت موقع اداره گمرک هر محل اجازه دهد نهیبین حقوق گمرکی با دریافت آن را یکدیگر مچری است .

در محل هائیکه گمرک آن چندا ن مهم نیست نحو بلندار جزء شعبه بازدید را اداره کرده با خود شخصاً بازدید اشیاء گمرکی را نموده پس از آن حقوق و عودت آنرا معلوم و دریافت مینمایند در همچو محلی نحو بلندار عبارت از تمام دائره گمرک است . معین است نحو بلنداران جزء همیشه در تحت ریاست و مسؤلیت نحو بلنداران کل بوده و هر ماه بحسابات خود را سر کر خود ارسال میدارند .

قسمت ثابت گمرک شامل ۲۲۰۰ مأمورینی است که وظیفه آنها بطور خلاصه عبارت از اخذ بیان نامه ها و تحقیق و بازدید و در موقع دریافت حقوق گمرکی متعلق صادرات و واردات مملکت است چنانچه وارد کنندگان مالی المتبجاره اقتدار و اختیار در عبور اشیاء بدون مراقبت مأمورین گمرکی داشته معین است دوائر گمرکی با اعضاء و اجزاء ثابت خود بیسوده انتظار اظهار نامه های لازم را می کشیدند پس بلك قسمت مأمورین سیاری نیز لازم است که سرحدرا حافظه نمود و مالیات دهندگان را بطرف دوائر گمرکی سوق دهد قسمت سیار در حقیقت مملکت را تماماً مثل بلك گمرک بند داخله نموده و غیر از خطوط راه های مجاز نمیکند هیچ شیئی بمملکت وارد شود .

این مأمورین شب و روز عواظت راهپائی را مینمایند که از آنجا

شخصا و اشیاء داخل در مملکت میشود برای انجام چنین وظیفه‌یك
 ابد قوه + + + ۶۰ نفری نخمینا معین شده است اینقوه بیست هزار هری
 تقسیمات چرخ منقسم و وظایف هر قسمت مرتب و منظم است .

همان طور که مامورین سیار برای محافظه سرحد از فساد چاق
 مرتباً برقرار شده باید از طرف دیگر دانست که چه اداره خود آن
 مامورین محتاج بمراقبت هستند زیرا مواظبت و محافظت سرحد در
 شب ها بسیار مشکل و در تاریکی و تنهایی ممکن است مواظبت در
 انجام وظیفه ضعیف و فتوری حاصل نماید .

اولین احتیاط اداره آنستکه از حضور مامورین در رستهای
 ماموریت آنها مطمئن شده و بداند که در محلهای خود قرار گرفته
 و شب بمنازل خود عودت نمایند و بعد مواظبت داشته باشد که در
 سر ماموریت آنها را خواب نبرده و یا اینکه اسلحه را وارم ملیوس و عبره
 آنها مرتب باشد علاوه باید متوجه باشد که مامورین مذکور در موقع
 خطر خود را به نشنیدن و کوری نزد با ایستکه در خانهای نزدیک و
 همسایه پناه گاهی برای استراحت تهیه ننموده باشند و مخصوصاً باید
 دانستکه سکوت خود را بمبلغمی نفروشند .

(چیزی که خوشبختانه در مملکت فرانسه بسیار نادر است) و
 عبارت اخیری زبجیری که در تمام دوره خلك فرانسه کشیده است بواسط
 سهل انگاری و غفلت باشرکت در انقلاب در بعضی نقاط پاره نشده و
 زحمات بهدر آورد .

نظر بانجام این مقصود از صاحب منصبان جزء گرفته تا صاحب منصبان
 کل تمامی در مواقع مختلفه زیردستان خود را تقشیش و کنترل نموده
 نموده و شب و روز مواظبت میکنند که کسی از وظایف خود غفلت

نمایند .

تقسیمات قوه سوار مستحفظ حدود برای قاچاق مال التجاره از دسته جات کوچک شروع شده بتقسیمات ولایتی میرسند . برای تقطیش و نظارت در کار رئیس دسته مواظبت در زیر دستان خود نموده و لا ینقطع در حرکت آنها را سر کشی مینماید مافوق رئیس دسته صاحب منصبان جزء هستند که وظیفه آنها سر کشی دسته ها و دامن عملیات آنها و مواظبت شب و روز در سر محل ماعوریت این دستجات است . شبها مخصوصا این صاحب منصبان فاوس در دست داشته دسته بدسته قراولان مستحفظ گمر کی را بازدید کرده و در دفتر خدمت آنها را رسیدگی و اعضاء مینمایند تا صاحب منصبان مافوق آنها نیز بتوانند بنوبه خود . عملیات این صاحب منصبان را نیز کنترل نمایند در این بازدید صاحب منصبان جزء ملاحظات خود را یادداشت برداشته و بعد در دفتر یومیه درج میکنند از طرف دیگر هر روز مامورین جزء را پرت خود داده و تقطیشی که از طرف صاحب منصبان جزء بعمل آمده بمذکر ها اطلاع میدهند مدیر ها نیز اطلاعات و بیانات طرفین را با یکدیگر مطلقه می کنند .

بالاخره معش . و سایر دیگر در حوزه ها سر اقبوت و نظارت در خدمات صاحب منصبان و دستجات کوچک حوزه خود مینمایند بعلاوه مقررات فوق دستجات کوچک خارج ز تقطیش و رسیدگی صاحب منصبان مافوق بواسطه ترتیبات ذیل خود یکدیگر را کنترل میکنند : هر روز از صبح دو دسته مستحفظ از طرف راست و چپ در تحت ریاست رئیس دسته و معاون از حرکت نموده و تا حدود متعلق ماعوریت خود سپر مینمایند در انتهای خط حرکت با دسته مستحفظ هم جوار تصادف نموده

و ایندو دسته با یکدیگر مبادله اطلاعات لازمه را نموده و آرد را تقشیش را امضاء مینمایند. مقصود از این گردش آست که از تقشیش زمین چنانچه عبور قاچاقی در شب شده باشد معلوم نمایند اگر اکتشاف رد پائی بشود فوراً بصاحب منصبان مافوق خود اطلاع داده و رد یا از نقطه نظر های ذیل تعقیب میشود: آیا قاچاقها از چه طرف گریزانده شده است؟ آیا از چه راهی مالالتجاره قاچاق وارد شده است راهی را که قاچاق عبور نموده آیا از دیکر یکدسته قراول مستحقظ بوده است؟ در صورت مزبور چگونه قراران اشیاء قاچاقی را ندیده اند در آن موقع قراران بچه کار مشغول آیا خواب بوده یا از محل ماموریت غیبت نموده اند؟ یک تحقیق و رسیدگی در این مسائل بعمل آمده این تحقیقات بیشتر و بهتر از گردش و دوره های روسای مافوقی سبب اکتشاف نواقص و معایب امور میشود

دو وغالباً سه خط و منطقه گمرکی در اطراف سرحدات مملکت فرانسه تشکیل د این خطوط بترتیب مذکور مرز قوت و مواظبت میشود به علاوه دستجات دیگر بسیاری که عموماً زیر دست مفتش ۵ ر دوره هستند

خواه برای جلوگیری از قاچاق- خواه برای مواظبت بعضی از قراران مستحقظ که چندان محل اعتماد نیستند در محلهای لازمه حاضر میشوند.

در هر طرف کنترل موجود و جلوگیری از بی ترتیبی ها می- نماید. روساء هم در تحت کنترل واقع میشوند نظرمین کنترل دائمی ۵۰۰ کیلو متر تخمیناً سرحدات خاکی و دریائی فرانسه شب و روز در یک محاصره حقیقی بوده و متجاوز از ۴۰۰ میلیون عواید گمرکی

داخل صندوق گمرکات میشود این مبلغ ۴۵۰ میلیون اعتبارات گمرکی از طرف تعویبگذاران گمرکات بمالیه هر حوزه ایالتی وارد و بالاخره بموجب شرایط و ترتیباتی که بعد ذکر خواهد گردید بخرانه دولت عاید می گردد (۱)

۳- اوصاف مشخصه تشکیل و ترتیب مالیات های

مستقیم و مالیات های غیر مستقیم

تشکیل کنترول چنانکه در خاطر داریم نسبت بمالیات های مستقیم کمتر سخت و کمتر شدید بوده است مخصوصاً در قسمت دریافت مالیات بجای تحقیق و رسیدگی مفتشین ترتیب دیگر مقرر گردیده : اولاً جدا بودن دائمی مامورین تشخیص جزء جمع مالیاتی از مامورین وصول مالیات. ثانیاً مسؤولیت مباشرین در اینکه میزان جمع را در صورت عدم وصول از دارائی شخصی خریدار بپردازند.

نسبت بمالیات های غیر مستقیم جدا بودن مامورین تشخیص مالیات از مامورین دریافت فقط در موارد استثنائی و فوق العاده معمول و این ترتیب در مورد ثبت اسناد کلیتاً متروک است راجع بمسئولیت مباشرین وصول هم این مسئله فقط بطور تهدید مقرر گردیده و بموقع عمل و اجرا گذارده نشده است.

نظامنامه ۳۱ مارس ۱۸۶۲ پس از آنکه اساس مسؤولیت تمام مباشرین را در ماده ۳۲۰ مقرر نموده (تمام مباشرین و مامورین وزارت

(۱) در لایحه بودجه ۱۹۲۱ خواهد گمرکات به مبلغ دو میلیارد ۳۴۵

میلیون تعیین شده است (نقل از کتاب اگارد الیکس ص ۶۸۷)

مالیه مسئول کلیه وجوهی هستند که وصول آن وجوه بعهده آنها
 واگذار شده است در ماده ۳۲۵ اینطور بیان مینماید. (نسبت بسیاری
 تحصیلداران عواید مملکتی غیر از خزانه دارها و تحصیلداران مخصوصه
 و تحصیلداران قبل از انقضای هر سنه مالیه صورتهائی نوشته میشود
 که در آن صورتها باقیایا معلوم و مبلغی که بر عهده مباشرین مانده
 با مبلغی که ممکن است انتقال شده مالیه بعد داده شود با وجوهائی
 که از آن ماندها تحصیلداران میتوانند مفاصحا حساب دریافت دارند از
 یکدیگر تشخیص داده میشود) چنانکه ملاحظه میشود مسئولیت در این
 ماده فقط در موقعی متوجه مباشر مالیه میشود که تفصیری متوجه او
 گردیده و الا اداره میتواند مفاصحا حساب نامور خود داده و مخصوصا
 مالیات دولت را بطور غیر محدود هر ساله بسنوات بعد انتقال دهد و
 در حقیقت این معنا حاصل میشود که در محاسبات طلب دولت را برای
 یکمدت غیر محدودی در تحت عنوان مجملی و توالیار هر سنه سنه مالی
 دیگر نقل نموده بدون اینکه هیچوقت پرداخت تمام آن حساب را
 مطالبه و بامواخذة نماید و بالاخره مفاصحا حساب مرحمت میشود .
 این عدم شباهت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بیشتر بواسطه
 عدم شباهت مواد و موارد مالیات دمه است و مخصوصا این عدم شباهت
 نیز از ترتیب تشکیل اداره هر یک از این قسم مالیاتها است .
 در دوره اصول قدیم و حال آنکه مالیاتهای غیر مستقیم بطور
 اجاره بشرکتها واگذار و آنها هم فقط از نقطه نظر شافع خود وصول
 این مالیاتها را در عهده میگرفتند برخلاف مالیاتهای مستقیم در تحت
 اقتدار کمتر لرزان بود .

در دوره امپراطوریت وزیر خزانه وصول مالیاتهای مستقیم را

در عهده داشته در صورتیکه مالیاتهای غیر مستقیم کلی جدا و از طرف وزارت مالیه اداره میگردد (اسامی وزیر خزانه در مقابل وزارت مالیه نبایستی نظر غریب بیاید زیرا اصول قدیم تشکیلات فرانسه نیز غیر از اصول حاضر بوده است چنانکه خود عاظم در ایران وزیر خزانه وزیر ضرابخانه و قس علیهذا چندین وزارتخانه داشتیم که پس از مشروطیت تماماً لغو و جزو وزارت مالیه و سایر وزارتخانههای مربوطه گردید) امر وزیر در فرانسه دیده میشود او یکطرف عوارض غیر مستقیم که در دست ادارات مالیه است تماماً بیک رئیس و از روی یک نمونه تشکیل یافته هر یک دارای یک مدیر کل در یک هیئت مشاوره اداره است در صورتیکه از طرف دیگر مالیاتهای مستقیم بواسطه تشخیص جزء جمع بیک اداره شبیه با ادارات مذکور را گذار ولی وصول آنها در عهده یکسلسله مأمورین است که در تحت ریاست و اوامر مستقیم وزیر مالیه میباشد و استخدام و ترفیع رتبه آنها از روی بکطرز مخصوص و چنانکه می گویند میل و اراده وزیر و طرف توجه بودن ایشان می اندازه دخیل در کار است *

• تفتیش کل مالیه

اداره تفتیش کل مالیه نسبت به عملیات دره مخارج و نسبت به عملیات در عایدات متساویاً صلاحیت و وظایفی را دارا است این صلاحیت و وظایف تفتیش کل مالیه بایستی در فصول آخر مخصوص با اجرای کلیه بودجه بیان شود معیناً موضوع کنترل که در این فصل دارای اهمیت نام و تمامی است اجاره میدهد که شرح چنین اسامی مهمی را بموجب نیندازیم *

تفتیش کل مالیه که از آثار و نتیجه تفتیش کل خزانه است که در سال نهم جمهوری ایجاد گردید اصل و مبداء حقیقی او را از دوره تجدد میتوان دانست.

آن دوره شروع بتجدید تشکیلات مالیه نمود و منافع تابعس تفتیش کل مالیه مفهوم و معلوم گردید. وظائف این تفتیش که (به يك هیئت تفتیش مرکب از اشخاص صبر و اگذار شده عبارت از رسیدگی تمام صندوق های ادارات دولتی را هنمائی مامورین مالیه در امور اداره آنها تا کید و تسریع در وصول عایدات ملاحظه در جهات افزایش عایدات اخطار و جلب دقت در رفع نواقص و افراط و تفریط پیشنهاد اقدامات لازمه در جلوگیری از معایب و بالاخره در هر جائیکه اداره محتاج شود جانب موافقت و مساعدت وزیر و نکار در دست تجربیات خود در استعداد ادارات مالیه است) رایرت وزیر در محاسبات خزانه دولتی برای سنه (۱۸۹۶)

در سنه ۱۸۳۰ در رایرت عمومی راجع مالیه که از طرف وزیر مالیه بشاه تقدیم گردید این طرز بیان شده است (هیئت مفتشین مرکب از عالیترین اشخاص که ماموریت آنها نظارت و مراقبت دائمی در مأمورین و قسمتهای مختلفه مالیه میباشد که با اطلاع دادن وزیر مالیه بواسطه رایرتهای مستقیم و فوری و کمک در تمام مواقع بواسطه تجربیات و نامین وسائل کنترل در هر شعبه و هر اداره بواسطه تحقیقات محلی خدمات شایان بمالیه مملکت نموده است. . . .)

با توضیحات فوقی نه فقط این مسئله استنباط میشود که از مدت زمانی خدمات اداره تفتیش کل مالیه قابل تقدیر بلکه به علاوه نوع خدمات و وظایف این اداره هم معلوم میشود که شامل نظارت و مراقبت

عمومی از تمام مامورین وزارت عالییه و حتی محاسبین سایر وزارتخانه ها نیز بوده است نظر باین مقصود مفتش مالیه هر ساله دوره گردش هائی در مدت شش ماه نیم از اول ماه مه تا ۱۵ نوامبر نموده بعد علاوه ماموریت مخصوصه نیز خارج از موقع مقرره بآنها ارجاع میگردد و ملکیت فرانسه بده دوره تقسیم گردیده و هر يك از آن دوره ها مخصوص يك دسته مفتشین است که در تحت اوامر يك مفتش کلی هستند .

مفتش کلی سه سال متوالی يك دوره را گردش نموده و در این مدت بقدر امکان تمام دوائر مالیه را بایستی تفیش و رسیدگی نماید ولی مفتش کلی در تمام دوائر کلیه مامورین مالیه را نمیتواند شخصا تفیش نماید زیرا نسبت بمامورین جزء این مسئله غیر قابل امکان است لذا بطور امتحان بعضی اشخاص را از مابین آنها انتخاب و تحقیقات لازم در باره هر يك بعمل آورده و در باره روسای ایالتی و ولایتی کنترل مرتب و دائمی مینماید این روسا تمام معاملات زیر دستان خود را ملاحظه نموده و مسئولیت مامورین جزء را عهده دار هستند .

معاقب و دنباله هر تحقیق و رسیدگی مفتش مالیه نتایج عملیات خود را در يك راپرت مخصوصی درج مینماید .

مامور مالیه که تحقیقات در باره او بعمل آمده جواب ایرادات وارد، بقدر در دسترس های مخصوص مینویسد رئیس مافوق مامور مزبور نیز عقیده خود را در ستون دیگری بیان مینماید بالاخره مفتش کلی در ستون اخیر ملاحظات خود را درباره راپرت مفتش و جواب مامور و رئیس آن یادداشت نموده و در جزء سایر راپرها برای وزیر مالیه ارسال می دارد . ضمناً يك راپرت کلی نوشته در آن راپرت کلیه نظریات خود را راجع باصلاحات و رفع نواقص آن دوره بیان مینماید .

(سوجب اعلامنامه ۳۰ آوریل ۱۸۹۱ نفثیش كل مالیه دارای يك مدبری است كه مامور كنترول و نفثیش كل ادارات مالیه است) اداره نفثیش مالیه بواسطه مقام عالی و روابط مستقیم با وزیر مالیه و نفثیسهای غیر مترقیه در ادارات اساس يك كنترول بسیار مؤثری را تشکیل میدهد.

چون اداره مزبور نسبت بمعادات و روابط محلی بكلمی بیگانه است فقط قواعد و متن قوانین را محترم و لازم الاجرا داشته و با انتهای خاك فرانسه جز اوامر مركزی (بدون هیچ ملاحظه و تغییر) نظر دیگری رانعقیب نمینمایند و بهباره آخری نفثیش كل مالیه بايك اهمیت فوق العاده مراقبت در حفظ اصول و قواعد تشكيلات مالیه فرانسه مینماید.

فصل بیست و دوم

مرکزیت دادن وجود و هوابد از اولین نحو بلد دارد تا

خرزانه مرکزیت مملکت

اول - مرکزیت دادن وجود هر حوزه محویداری مالیه. وظایف نحو بلد دار
معمومه - وظایف عمومی آنها *

دوم - خزانه دار کل فقط نماینده خزانه مرکزی مملکت در حوزه ولایتی
است (خزانه دار کل که در اینجا ذکر شده عبارت از خزانه دار کلی نیست که در مرکز ریاست کل
خزانه را داشته باشد بلکه مثل یک مدیر مأمور اداره نمودن خزانه ولایتی است) *
چون در کتاب فرانسه این عنوان نوشته شده بود عیناً ترجمه نمود
و این توضیح را برای رفع اشتباه فارغین محترم حرج نمودم (معاصبه خزانه دار
مزیور ما خزانه مرکزی تمام مایهات و تمام مخارج به وجهی ب حساب دولت نوشته می
شود منافع طرفین قواعد این ترتیب که محاسب را با دوات شریک
در عمل می نماید (محاسب که در اینجا نه میشود مقصود محاسب
مسئول محاسبات و دفاتر اداره نیست بلکه در فرانسه گلهه (کتابخانه) را بامین
یا رئیس مالیه که مسئول کلیه مالیه ولایت است نام گذارده اند چنانکه در مملکت
ترکیه این کلیه عیناً ترجمه و قبول شده و برومای مالیه ولایتی خود ذخیره اد میگویند
مثلاً دفتر دار اسلامیون عبارت از رئیس مالیه است ما در ترجمه همان عنوان
روسا و آلمانای مایه را که معمول به مملکتی است نوشته و از عنوان محاسب که
سبب اشتباه می شود اجتناب می نمودیم) * *

سوم - محل های مختلفه ای که خزانه دار ولایتی مسکن است وجود خود
را بآن محل ها مصرف نماید

(نظر باینکه عنوان خزانه دار کل ایران برای مدیر کل خزانه که مقر
اود در تهران است قبول شده و تکرار لفظ خزانه دار کل در این کتاب ممکن است
است اسباب اشتباه غریبین بشود لذا در ترجمه مضای حقیقی آنرا قبول ننموده و به
ها بجای خزانه دار کل خزانه دار ولایتی می نویسیم) پرداختت مخارج عمومی ارسال
وجود از طرف خزانه دار های ولایتی برای همکاران خود با سنبوق مرکزی
نحویل وجود به حساب بانک فرانسه - معاصبه وجود نامی خزانه دار بانک - مثالی
که از واسطه و در بانک دو ارسال وجود از نقاط مختلفه بتقاضی دیگر به خزانه مملکت
هایه می گردد *

بخش اول - مرکزیت دادن وجوه تحویلداران مالیه

عایداتی که کم یا بیش خود بخود در صندوق های مختلفه متصدیان مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم جمع آوری میشود عدت مدیدی در صندوقهای مزبور باقی و متوقف نمیماند بواسطه يك احتیاط عاقلانه اداره مرکزیت دستور العمل بشمار روسای مالیه داده است که در کمترین فاصله امکان خود را از نگاهداری وجوه در صندوق خلاص نمایند تمام وجوهی که مامورین اولیه (تحویلداران) اخذ نموده اند در مواقع معینه بتحویلداری مخصوصه عاید میگردد این تحویلداران در تحت ریاست خزانه دار ولایتی هستند مثلاً تحویلداران عایدات خود را بتحویل داران مخصوصه تسلیم و تحویل مینمایند زیرا این مسئله طبیعی و تحویلداران در تحت اوامر تحویلداران مخصوصه بوده و روسای مافوق آنها همین مامورین مینباشند.

تحویلداران سیار با ثابت مالیاتهای غیر مستقیم نیز عواید خود را بتحویلداری مخصوصه تحویل مینمایند. محقق است که محاسبات آنها مامورین مزبور را مربوط بتحویلداری مرکزیت مالیاتهای غیر مستقیم مینماید ولی این تحویلداران سیار و ثابت محاسبات آنها تحویلداران مرکزیت خود داده و در عوض وجوه نقدی قبوض تحویلداری مخصوصه را تسلیم مینمایند. چون تحویلداران مرکزیت مالیاتهای غیر مستقیم نیز وجوه عایدی خود را بابتی تحویلداران مخصوصه مالیه تحویل نمایند ترتیب فوق فقط سبب آنست که وجوه نقدی بدون جهت دور نشود و مستقیماً

بهر کز اصلی خود تقدیم شود .

تشکیلات اداره کمر کات نیز بتراپیب مذکوره قبل است .

تحویلاتداران ثبت اسناد چون مافوق خود محاسبی را برای هر کزیت دادن وجوه و محاسبات ندارد مقام دیگری را واسطه برای پرداخت وجوه دریافتی نداشته و مستقیماً عواید خود را بتحویلاتداران مخصوصه مالیه تسلیم مینمایند اما نسبت بمحاسبات چنانکه قبلاً گفته شد مدیریت ولایتی رسیدگی در محاسبات مذکوره نموده و قبل از مر کزیت دادن آنها با خلاصه محاسبات را بوزارت مالیه و دیوان محاسبات ارسال می دارد .

تحویلاتداران بست و تلگراف نیز مثل سایر هم کاران اداره مالیه عایدات تدریجی را بتحویلاتداری مخصوصه مالیه تحویل مینمایند . خلاصه آنکه تمام عواید مختلفه مالیاتی انحصار خلاصه جات چنگلها و غیره در هر حوزه بصندوق تحویلاتداری مخصوصه مالیه عاید گردیده و در آن صندوق بیکدیگر مخلوط میشود .

تحویلاتدار مخصوص بهر يك از تحویل کنندگان وجه قبوض رسید ته سوش داری میدهد برای آنکه قبوض مزبور معتبر و حکم قبوض خزانه را داشته باشد بایستی در ارف ۲۴ ساعت در اداره حکومتی یا نایب الحکومه گی امضاء و قبوض رسید از نه سوش آن جدا بشود قبض رسید امضاء شده بتحویل کنندنده وجه تسلیم و اداره حکومتی ته سوش را نگه داشته و مبلغ آنرا در صورتی نوشته و سواد آن صورت را هر ماهه با اداره محاسبات کل ارسال میدارد اداره مزبور باین وسیله تمام تحویلاتداران مالیه را کنترل مینماید چون ترتیب خلاصه مامورین مذکوره را از وجوه تحویلی خود اطلاع حاصل نمودیم حالیه اینهمیشه

را باید به مخصوصاً طرف توجه قرارداد که وجوه مزبور چگونگی درجه بدرجه طی منازل نموده و بخزانه مملکت وارد میشود. چگونگی این عواید مملکتی که بالغ بر دو میلیارد ریتم فراتر است از دست نحویلداران مخصوصه خارج میشود؛ برای اطلاع از مطالب بایستی ابتدا ترتیب سلسله مراتب و پس از آن وظایف نحویلداران مخصوصه را دانست.

۲۴۸ نحویلدار مخصوص در حوزه های نایب الحکومه گوی موجود و خزانه دار ولایتی وظیفه نحویلدار مخصوصه را در مرکز ولایت خود انجام میدهد وظایف نحویلداران مخصوصه نسبت بامور دولتی عبارت از ۳ جمله ذیل است:

(اینکه امور دولتی نوشته میشود برای آنستکه نحویلداران مخصوصه علاوه بر وظایف دولتی بامور مندرق امانت ولایتی و رسیدگی بمعاملیات بودجه محلی ولایتی و غیره نیز می باشد)

۱) نحویلداران مخصوصه وجوهائی که از مامورین مختلفه مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم و نحویلداران بست و ملکگراف و غیره مطابق ترتیبات مذکوره بصندوق آنها عاید می شود مر کزیت میدهند.

۲) نحویلداران مخصوصه نحویلداران حوزه خود را در تحت نظر گرفته و اداره نموده و چنانکه قبلا بیان کردیم مسئولیت وصول مالیاتهای مستقیم حوزه بر عهده آنها است

۳) نحویلداران مخصوصه نیز خرید و فروش سهام استقراض و منافع آنها را که از طرف عامه یا بارجوع شود انجام داده و درموقع تجدید اسناد یا تغییر و تبدیل سهام نیز از طرف صاحبان وجوه بطور واسطه امور مرجوعه را انجام میدهند.

هیچ يك از ۳ وظیفه اصلی مذکور فوق راجع بموضوع مانوده و بحر کزیت یافتن وجوه در خزانه مملکت مربوط نیست در حقیقت از این نقطه نظر تحویلداران مخصوصه شخصا موجودیتی نداشته بلکه این مامورین نماینده خزانه دار ولایتی هستند بعلاوه چون تحویل داران مخصوصه شخصا مسئول دیوان محاسبات نیستند محاسبات آنها بکلی مربوط بروسای آنها و عینا در روز نامه و دفاتر خزانه دار های ولایتی نقل و هتدرج میشود و چون برای خزانه داری حساب نگاه داشتند و در تحت او امر او هستند اصولا نسبت بحر کزیت دادن وجوه يك وظیفه و تکلیفی در سلسله مراتب بشخصی آنها وارد نیست .

نظامنامه ۳۱ ۱۸۶۲م نسبت بان مطالب شرح ذیل را بیان می نماید: ماده ۳۳۳ تحویلداران مخصوصه در تحت نظر و ریاست تحویلداران کل ولایتی (سابقا خزانه دار کل یعنی خزانه دار ولایتی عنوان تحویلدار کل را داشته است) امور را اداره نموده و معاملات و محاسبات خود را بتحویلداران کل مزبور مرجوع میدارند .

ماده ۳۳۶ - تحویلداران کل وجوه دریافتی از تحویلداران مخصوصه را بانمر کزیت و ایدعمومی تحویل داده یا در محل مصرف نموده یا بعنوان احتیاط نگاهداشته یا بر حسب اقتضا احتیاجات اداره بمصرف دیگر مبرسانند و در ماده دیگر میگوید: ' تحویلداران کل مسئول اعمال و اداره تحویلداران مخصوصه حوزه ولایتی خود هستند ، مواد فوق مخصوصا ایانات ما را ثابت نموده و حداثت زیر دستی و تابعیت تحویل داران مخصوصه را که عبارت از مامورین ساده خزانه دار ولایتی هستند معلوم می نماید ؛ بر اقط بواضع آنها وجوه از زیر دست بمافوق

میرسد . پس اشاره به وجود مامورین مزبوره کافی از بیان مطالب بوده و اصل موضوع و مشاغل خزانه داریهای ولایتی که فقط نماینده - خزانه داری کل مرکزی در ولایات و نه اشخاصی هستند که حقیقتاً در مقابل وزیر مالیه و دیوان محاسبات مسئول هستند مراجعه مینمائیم .

۲۴- مرکزیت دادن و جوه بتوسط خزانه داریهای ولایتی

مطابق ماده ۳۳۶ نظامنامه ۳۶ مه ۱۸۶۲ مذکور قبل خزانه داری ولایتی (که سابقاً تحویلدار کل نامیده شده است) وجوه دریافتی از مامورین زبردست خود را مثل وجوه متعلق بخود تصور نموده و بطوریکه مایل باشد بمصرف میرساند موما همیشه عواید مملکتی از دست جمع آورندگان ازیلیه خارج گردیده خود بخود دریدافتدار و نملک خزانه داری ولایتی می افتند از طرف دیگر نباید فراموش نمود که خزانه داری ولایتی معاملات شخصی نداشته و وجوه آنیکه بدست ارمیرسد متعلق بدولت است خزانه داری مذکور مرکزیت بوجود مزبوره داده و فقط این مرکزیت از نقطه نظر آن است که وجوه را بدولت تسلیم و تحویل نماید پس وظایف خزانه داری ولایتی را نیابستی از نظر شخصی نگاه نموده بلکه وظایفی است مربوط بخزانه مملکت که از طرف آن خزانه مامور و نماینده است .

موافق این نظر خزانه داریهای ولایتی بلك حساب جاری نگاه داشته و در آن حساب تمام عایدات و تمام مخارج یومیه بعنوان بده و طلب با وارد و صادر ثبت میشود . با داشتن این حساب جاری خزانه مملکت همیشه مالك وجوهی است که در کلیه مملکت عاید و دارد

شعبان گردیده و وزیر مالیه با اطلاع از اصول معاملات و لایات و جوه موجودی هر اقله را میتواند بمصارف لازمه برساند و رابط خزانه مرکزی با خزانه دارهای ولایتی از روی اساس ثابت و دائمی موافق ترتیب فوق همیشه برقرار و متصل بیکدیگر است . سابقاً حساب جاری خزانه هر ده دوزه نفع بآن تعلق گرفته باین معنی کلیه عایدات بعد از ده روز بضرر خزانه دار ولایتی نفع بر آن اضافه گردیده و همچنین در کلیه پرداخت مخارج به منفعت خزانه دار ولایتی نفع به آن علاوه میشده است . این طرز محاسبه جاری است که بطرفین معامله نفع تعلق میگردد مطابق این ترتیب همینکه خزانه دار ولایتی وجوهی تمویل خزانه داری مرکزی نموده یا بحساب خزانه میبالتی پرداخت میگردد است دارای يك جایزه بعنوان نفع بوده بر عکس بمحض آنکه عایداتی را خارج از مهلت و مدت معینه نزد خود نگاه داشته يك جریمه به او متوجه شده است این تشریح از یکطرف بواسطه جایزه و تادیب از طرف دیگر بواسطه جریمه مراقبت نامور را در کار زیاد نموده و توقیف در بی مصرف ماندن وجوه در بافتی را که اسباب ضرر خزانه داری ولایتی میشد متروک می نمود بلکه خزانه دار سعی در آن داشت که مصرفی بر حسب او امر دولت برای وجوه پیدا نموده و نفعی از آن بابت تحصیل نماید تمام هوش و ذکاوت خزانه دار ولایتی بکار میرفت در اینکه هر چه زودتر راهی بدست آورد . و سرعاً عواید دولتی را بخزانه مرکزی ارسال دارد .

معهذا این ترتیب محاسبات جاری چون اسباب افراط و تفریط شد در سنه ۱۸۸۷ لغو گردید و وزیر مالیه نیز در آن موقع به مناسبت کسور اینکه مجلس از اعتبار و تخصیص محاسبات جاری نموده بود

طرز جدید دیگری بطور تخفیف و مقاطعه برای خزانه داران ولایتی
مقرر نمود (حکم وزارتی ۳۱ دسامبر ۱۸۸۶)

این ترتیب اخیر هم از موقعیکه حکم وزارتی ۳۱ دسامبر ۱۸۸۶
تمام تخفیفات و حق العمل هائیکه بخزانه داران ولایتی داده میشد قطعاً
حذف و بجای آن مواجب های ثابت ۶۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ فرانک
سالانه برقرار نمود طبعاً انمو گردیده است و ولی باید دانست چنانچه
ترتیب دفع در محاسبات جاری بطوریکه قبلاً شرح داده شد لغو گردید
خود محاسبات جاری وجود داشته و همیشه مطابق این محاسبات جاری
وجوه دولتی از ذخایر دار های ولایتی مرکزیت حاصل نموده و
وتحويل خرابه مرکزی میشود تنها اختلافیکه طرز حاضر
با ترتیب سابق دارد این است که حالیه محاسبات سرمایه فقط نگاه
داشته شده و سعی از هیچ طرف بآن تعلق نمیکرد .

۳- محل هائیکه خزانه داران ولایتی وجوه خرابه

ممالک را به مصرف میرسانند

۱- نقاطیکه وجوه را تحويل میدهند

وجوهیکه از طرف خرابه دارهای ولایتی بخزانه داری تحويل
میشود ممکن است به محل های مختلفه مصرف برسد قبل از هر چیز
وجوه دریافتی آنها بصرف پرداخت مخارج دولتی همان محل برسد
این معنی کلیه مخارج دولتی و محل پرداخت آن مخارج در نقاط
مختلفه ولایت از طرف حواله کنندگان آن حوزه به خزانه داران ولایتی
ابلاغ گردید و در مواقع معینه صورتی از کلیه حوالجاتیکه باید پرداخت

شود از طرف حواله کنندگان تهیه و تنظیم میشود

بعلاوه خزانه دارهای ولایتی چنانکه بعدها در فصل بیست و چهارم ذکر خواهیم نمود - بک صورت اعتبارات حواله شده را از طرف اداره معاملات نقدی

مستقیماً دریافت مینمایند که پرداخت مخارج ولایتی در حدود همان صورت واقع گردد. خزانه داران ولایتی با اطلاع از مراتب هر قومه وجود موجودی خود را مطابق حوالجات صادره بنقاط مختلفه ولایتی تقسیم مینمایند.

چنانچه پس از رفع احتیاجات محلی از يك مبلغی در صندوق باقی بماند در همچو موقع آن موجودی یکی از دو مصرف و محل قبول میرسد.

ابتدا خزانه داران بغوریت مبلغی که همکاران ولایتی آنها بعنوان کمک تقاضا نموده باشند برای آنها میفرستند فرستادن وجوه از طرف خزانه داران ولایتی برای يك دیگر فقط با اجازه اداره معاملات نقدی است.

علاوه فاضل عایدات خزانه داران ولایتی مستقیماً بخزانه مرکزی تحویل گردیده و خزانه خود و جزء مزبور را بمحلی که لازم باشد مصرف میرساند تحویل و ارسال وجوه از ولایت بخزانه مرکزی موافق سه ترتیب است.

با وجوهی که بصندوق خزانه مرکزی ارسال میشود عیناً پول نقد حمل گردیده (ابن ترتیب قدیم فعلاً متروک و فقط ماورین اطراف و حول وهوئی یا بشخت آرا معمول میدارند) یا اینکه پرداخت نقدی بعنوان صندوق مرکزی ارسال میشود و با وجوه ارسالی به شعب بانک

فرانسه به حساب خزانه داری تعویل میگردد (این ترتیب اخیر بیشتر معمول و مجری است)

خزانه در حقیقت يك حساب امانتی با بانک فرانسه باز نموده و این معامله مثل سایر معاملات شخصی متفرقه محتاج يك قرار داد مخصوصی نیست و معیناً بواسطه اینکه در آن طرف معامله عهدی است خارج از ترتیبات معموله محاسبات جاری خزانه قرار دادی با بانک گذارده و در آن قرار داده میشود که بانک فرانسه به عنوان مساعد به خزانه ایستنی بدهد معلوم شده است چون خزانه داری حساب امانتی با بانک قرار داده است لذا بمیل و اختیار خود هر مبلغی که لازم باشد در هر مرکز یا در ولایت برای اجرای امور مملکت بشوسط شعب بانک بمصرف میرساند .

بنا بر این خزانه داران ولایتی فاضل صندوق را بدهیه بانک محل اقامت خود تعویل داده و چون مزبور به حساب جاری خزانه محسوب میشود چنانچه بر عکس خزانه داران ولایتی محتاج به مبلغی باشند باز بهمان شعبه بانک رجوع نموده و بانک نیز بر حسب حواله اداره معاملات کل نقدی

به حساب جاری خزانه مبلغ نقیضه و حواله شده را پرداخت مینماید بانک فرانسه بشترتیب مذکوره قسمت عمده بلکه تمام معاملات نقدی و تعویل ارسال رجوع خزانه را انجام میدهد بانک مزبور فاضل صندوق تمام روسای مالیه را تعویل گرفته و وجوه دریافتی را فوراً در حساب طلب دولت میگذارد .

دولت نیز وجوه مزبوره را در هر نقطه که احتیاج داشته باشد پتوسط بانک ارسال و بمصرف میرساند .

هبلثی را که دولت سالیانه بانك تحويل میدهد عموماً متجاوز
 از پنج میلیارد و موجودی دولت در آخر سال بر حسب مواقع از صد
 الی دو بست مليون میشود .
 گرچه بانك هنوز در فرانسه مثل سایر عمالک صندوقدار رسمی
 دولت نیست ولی بانك مزبور یکی از مهم ترین و ضایع صندوق داری
 دولت را انجام میدهند .
 این مسئله بطور مفصل در فصل آتنده مورد بحث خواهد گردید

فصل بیست و سوم

خزانه دارهای ولایتی - لوایح رفورم -

وظیفه بانک

• اول - وظایف خزانه دارهای ولایتی (۱) شعبه دربانان عابدان • (۲)

مرکزیت دادن وجوه

(۳) معاملات بانک - جهت این معاملات بانک : رفورم کمک رساندن به

محاسبانیکه برای استقراض جاری باز شده است • ترتیب و نوع معاملات بانکی
مستطرات آنها - احتیاجات میهوده نظامنامه

• دوم - تاریخ تاسیس خزانه دارهای ولایتی - سنوات اولیه قرن اخیر

سهام و قبوض روایتی - اشکال نزول آنها - انجام دهندگان خدمت شرکت
های اتحادیه تجار •

معاملات صرافی افلاس • در سنه ۱۸۰۶ ایجاد صندوق محاسبات جاری

و طرز حالیه خزانه داری صرافیهای مامورین دولتی تشکیلات ۱۸۰۶ تقریباً تغییر
نیافته و تا امروز همان ترتیب معمول است •

• سوم - لایحه رفورم که به مجلسین پیشنهاد شده است - تغییر شکل

خزانه داران ولایتی به تعدیلداران یا مواجب • این - لایحه تصویب شده از

طرف مجلس شورای ملی در سنه ۱۸۸۹ - امور معاملات نقدی به بانک تفراده
واگذار شده است •

• چهارم - خزانه داری در انگلستان : اداره نردین امور استقراض بانک

انگلستان موقوف گردیده محاسبات جاری وزارت مالیه یا بانک

• پنجم - خزانه داری در بلژیک - بانک ملی در بلژیک وظایف صندوق داری

دولت را انجام میدهد •

تأمین این تشکیل - قانون ۱۸۵۰ مامورین دولتی متعددی کنترل

معاملات صندوق بنام وزارت مالیه منافع و فوایدیکه در سال دولت بلژیک از این
ترتیب حاصل مینماید

اول خزانه داران ولایتی

معاملات آنها با بانک

فصل قبل فقط محدود باین مطلب بود که خزانه داران ولایتی چگونه وجوه دولتی را امر کزیت میدهند بنظر نیز مفید است که کلیه مشاغل مامورین مزبور را مطالعه نمائیم .
چهار جمله ذیل عبارت از خلاصه وظایف خزانه داران ولایتی است .

۱ - وصول مالیات های مستقیم ۲ - امر کزیت دادن عواید عمومی مملکتی ۳ - پرداخت مخارج عمومی مملکتی ۴ - معاملات بانکی وصول مالیات های مستقیم بتوسط تحصیلداران در تحت مسئولیت تحویلداران مخصوصه در حوزه مأموریت و در تحت ریاست و مسئولیت عالیّه خزانه دار ولایتی سابقا شرح داده شده است .

هر کزیت یا قتن عواید مملکتی نیز اخیر امور در بحث گردید راجع پرداخت مخارج مکه بموجب فرمان ۲۱ نوامبر ۱۸۶۵ پس از انقضاء و انحلال پرداخت کنندگان هر بوط خزانه داران ولایتی گردید این مسئله را فعلا مسکوت گذارده و در فصل آئیه که مخصوص به مخارج عمومی است مراجعت و مطالعه خواهیم نمود .

پس فقط موضوع مب حثه حالیه همانا چهارمین قسمت خدمات خزانه داران ولایتی است و آن عبارت از معاملات بانکی است که در امور اداره مسئله غریبی بنظر آمده و توضیحات بعدهم شاید رفع این استعجاب را نتواند نمود .

دولت مثل هر تاجر خانه یا امور صنعتی محتاج بیک مبالغ

وجوهی است که در مواقع مشکله بین سال در حایله مخارج علاوه
ار عواید وصولی است آن مبلغ را برای دفع احتیاج خود مصرف نماید
خارج از این احتیاج عمومی دولت فرانسه کشور تی از بقیه ودجه
های حایله دارد که خزانه مملکت باستان کسورات مزبوره را نیز
چیران نماید استقراض جاریه برای اذک این دو مستاده تاسیس
گردید است *

شرح استقراض جاریه و منابع آن در بلك قسمت دیگر کتاب
داده خواهد شد *

فعلایه مینقدر کافی است که یاد آوری نمود و مگر تبیم که عا
بین منابع مذکور محاسبات جاری با خزانه داران ولایتی نیز شمرده
میشود *

ارایه دای دو منجدد (رستراسیون) از خزانه داران ولایتی تقاضا شده
است که وجوه شخصی خود را برای کمک با استقراض جاری بعنوان
محاسبات جاری نحو ذل خزانه مملکت منتهایند .
میزان حداقل وجه مزور تا این ستمات اخیر مایل مبلغی بود که
برای ضمانت خزانه داران ولایتی می پرداختند *

ولی عموماً در موقعیکه نفع زیاد در آن نوع مساعده از طرف
دولت داده میشود مبالغ پرداختی خزانه داران خیلی زیادتر از میزان
معمولی بود چنانکه محاسبات جاری خزانه داران ولایتی در سنوات
۱۸۷۵ و ۱۸۷۶ و ۱۸۷۷ به یکصد میلیون رسید در حایله مبلغ ضمانت
تخمیناً بیش از ۲۸۰ میلیون بوده و وقتیکه بموجب تصویب ۱۸۸۹ میزان
نفع محاسبات جاری علاوه از نفع قوتس خزانه تالیستی داده شود مبلغ
مساعده خزانه ایران از یکصد میلیون به پنجاه میلیون تقلیل نمود

در هر صورت خواه یکصد خواه پنجاه ملیون مسئله آنجا است که بدون وسائل ممکن نبود که چنین مبلغ عمده بعنوان مساعده از همداد و شش نفر خزانه دار ولایتی خواسته شود زاین نقطه نظر اختیارات معاملات بانکی به نام و این مزبور داده نشده است.

این معاملات بانکی مخصوصاً عبارت از باز نمودن محاسبات اسامی با اشخاص متفرقه است. خزانه دار ولایتی مطلقاً همین ترتیب یکدست شرکت های بزرگ معمول میدارند و واسطه دادن یک نفی مرد در راه امانت گذارن وجوه در صندوق خود دعوت میدارند. از آنجایی که زده خزانه دار مزبور گذارد، میشود خواه همون محاسبات جاری خواه بعنوان محاسبات اسناد پرداختی به رویت و خواه همواند معینه است نسبت به مصرف وجوه مزبوره این مسئله کاملاً معلوم و حتی اطلاع مسطور الحاصل داده شده است. این معنی که تمام وجوه اسامی اشخاص متفرقه بخزانه منگت باید نهاده شود و بموجب متحدالاعمال های مکرره خزانه داران ولایتی. قی در حالت در وجه مزبور هیچ اسم و رسم نداشته و تمام وجه به خزانه داده شود مثلاً یککه ز طرف خزان داده میشود بجای نقدیست که خزانه دار ولایتی به اشخاص متفرقه داده و آن وقت معامله هم هر چه باشد میدهد مامورین مزبوره است.

همینکدایت چنین معامله در این اجازه داده شد. چه در بدستی معاملات دیگر، تکمی و بصرفی هم بخزانه دار ولایتی اجازه داده شود. مثلاً در حالیکه خزان داران وجوه اشخاص متفرقه را بطور امانت قبول مینمایند پس خرید و فروش سهام و غیره را هم بدستی از طرف خود در عهده گیرند. بنا بر این وزیر مالیه اجازه معاملات فوق را بخزانه داران خود میدهد که بر حسب دستور اعمال دهندگان وجوه معاملات سهام

درستی و بعضی سهام صنعتی که محل اطمینان هستند از طرف آن ها
بنمایند .

احکام وزارتی اینست که راتصریح مینماید که وجوه این معاملات
بایستی تقدا پرداخته شود . تمام اسهام ممالک خارجه و اسهام خودفرامه
نیز که اعتبار آن مشکوک باشد از جزء معاملات فوق خارج است
صدور هیچگونه قبوض و سهمی در گیشه های خزانه داری مسکن نیست
حتی اعلانات راجع صدور اسهام هم در اطاق انتظار خزانه داری ممنوع
است . فقط در موضوع شرکت سهام شهر یاریس استثنائی بعمل آمده است
مذاکره و معامله در موضوع امور تجارنی یا صنعتی بعضی موارد بکلی
قدغن است .

چنانکه ملاحظه میشود احکام وزارتی سعی در محدود کردن
معاملات بورس به موارد مطمئنه یا اقلا موارد کمتر خطرناکی نموده
است ولی همان متحد المال های وزارتی و احتیاطات متدرجه خود مصرح
مطلب است که مامورین مالیه در چه خطرانی واقع و چگونه کوشش
در محافظه آنها شده است

آیا حدود مطمئنه را چگونه میتوان بطور قطع معلوم نمود ؟
خارج نمودن معامله سهام خارجه در صورتیکه معامله سهام فرامه مجاز
است . قدغن نمودن معاملات احتیاطی در صورتیکه معاملات نقدی اجازه
داده شده قبول نمودن معاملات تجارنی مگر در موارد استثنائی خارج
نمودن قبوض و سهام تجارنی از گیشه های خزانه با وجود جایزه و منافعی
که از طرف صادر کننده آن قبوض و اسهام داده میشود و با وجود تقلبات
و آمدن مشتری در سر محل توزیع آیا با این وصف تشبثات وجود
خواهد داشت ؟

بدون شبهه خزانه داران ولایتی نسبت باین معاملات مثل اشخاص ماده و متفرقه بوده و بسمت مامور دولتی معامله نمی نمایند پس يك
 اعلان بخطر جلی در اطاق انتظار عمومی کافی خواهد بود در اینكه دولت
 هیچ مسئولیتی از معاملات آنها نداشته و علاوه به تحویل دهندگان
 رجه نیز قبوض ته سوش دار داده نمی شود و در این موارد مامور مثل يك
 سراف خود طرف معامله باشد شخصی بوده و قبوض رسید در روی کاغذ
 های معمولی خواهد داد.

ولی باید دانست از این دو وظیفه مختلف که متوجه يك مامور
 است چه احتیاطی حاصل میشود و در موقعی که نتایج سوئی واقع شود
 از امتزاج این در شغل و وظیفه (مامور دولت و سراف) چه نتیجه حاصل
 خواهد شد؟ کیشها هسته میشود ولی نه برای امور دولتی بلکه برای
 قروض شخصی مامور در حالیکه دولت با کمالات جدیدت مالیات خود را
 مطالبه و وصول مینماید همان مامورین دولت قروض شخصی را نمی
 پردازند. ما اسرار در این موضوع نمیکنیم زیرا مباحثات فوق العاده
 در موقع تاسیس این مطلب واقع شده است همینقدر بلاد آردی آن
 مباحثات ثابت مینماید که افراط و تفریط در چنین معاملاتی نزدیک بهم
 بوده و این معاملات بانکی و سرافی مامورین مالیه را در سریرتگاهی
 می گذارد.

وزیر مالیه در يك مذاکره برای نمایندگانی ابسطور بیسان می
 نماید خزانه داران دارای دو وظیفه هستند که برای وزارت مالیه ممکن
 است بقدر کافی نفوذ در عملیات آنها حاصل نموده و مطمئن شود که
 مامورین همواره از وظایف و تکالیف مقرر خود خارج نمی شوند.
 مازکی دودر نظر در کتاب بزرگ خود راجع بحالیه يك تمجیدی

نسبت پایین ترتیب می‌نمایند . دولت بخزانه داران ولایتی خود اجازه داده است که با سرمایه داران و تجار روابط بانکی و سرافقی داشته و بواسطه این رابطه تحصیل اعتبار شخصی نموده و در موقع لزوم و احتیاج کمک به عایدات درآتی بنمایند . . . بواسطه این ترتیب عافلان دولت به بهترین تشکیلات تجارنی نایل گردیده که اجرای امور بومیه او هیچ وقت بعهده تعویق نیفتد (ترتیب باطرز مالیه فرانسه)

مار کیزد دیگر که همیشه از این ترتیب راضی بوده زیرا خودبیز تا یکدرجه مسبب آن بوده است اینطور میگفتند : فعالیت و نظم در ترتیب این اصل مالیه بعدها بک موضوع مورد اعتن و تمجید تمام دول خارجه خواهد گردید آیا این مسئله صحیح است و نام دول خارجه این ترتیب خرابه داری فرانسه را تمجید می نمایند ؟ آیا در عوص اینک تقلید نموده باشند بر خلاف این ترتیب امولی مقرر نموده اند ؟ این موضوعی است که زودی از آن بحث خواهیم نمود

آیا از مزاور است بگوئیم : که متجددین خود پسندی هستند که به اسطه حسادت یا فلسفه های غیر قابل عملی سعی نموده و مایه هستند که این ترتیب اداره خوب و مفید را از اعتبار انداخته و آبراه پرخرجی متهم نمایند ؟

برای دانستن حقیقت مطلب و فهمیدن درجه این تجدیداتی که خیلی مجللانه بیان شده است در هر صورت برها لازم است که لوابیح تجدید تشکیلات طرز خرابه داری را که در زده فرانسه ها خرابیه موضوع و مطرح است در بحث نظر در آورده و ترتیب اداره آما را بین که در خارجه مه دول است مراجعه به مائیم .

۲. ذخایر و اسبیس خزانه داران ولایتی

تشکیلات حالیه خزانه دار های ولایتی مخصوصاً طرز محاسبات جاری آنها که مورد بحث مانوده از تاریخ ۱۸۰۸ رموقعیست که ناپلئون خود در ارست *Faiseure de Service* (اچام د عنندگان خدمت) خلاص نموده و بجای آن اصول حالیه را برقرار نمود.

این اشخاص يك دسته ارضرافون و کارکنانی بودند که هم معامرات معاملات نقدی خزانه و هم متصدی تهیه آذوقه نظامی می شدند. شغل اولی آنها که فعلاً موضوع مباحثه ما است عبارت از برونک اسناد تحویلداران کل و پرداخت قبوض رسمی آنها و بالاخره تمام معاملات خزانه بود. اسناد تحویلداران کل عبارت از عایدی کلیه دالیانهای مستقیم و مهمترین منابع عایدی بود چه بود که مبلغ آن تخمیناً به سصد میلیون کل عایدات بالغ گردید. زائدهای دوره کوسولا برای اینکه ترتیبی در امور مالیه داده شده در موقع لزوم و احتیاجات فوری رجوع نمایند گردن موافق نظامنامه جدیدی تحویلداران کل مجبور بودند که در ابتدای هر سنه مالیه مالیاتیکه ماهیانه از است مالیات و اچهمی خود باید بدولت به پرداخت معلوم و سند سپارند نسبت باشکلاتیکه در وصول مالیات ممکن بود حاصل شود هر قسط پرداخت و عده قسط هر ماه را پنجاه ماه بعد عقب انداخته بین معنی که قسط ماه ژانویه در ماه باستانی پرداخت شده و قسط خیر ماه دسامبر در ماه آوریل سال بعد داده میگردد. موافق ترتیب مذکور تحویلداران کل مالیاتیکه بموجب قانون باستانی در مدت دوازده ماه و مالیات دهنندگان دریافت دارند در مدت شانزده ماه بدولت می پرداختند این مهلت به تحویلداران کل اجازه

نسبت باین ترتیب مینماید . دولت به‌خزانه داران ولایتی خود اجازه داده است که با سرمایه داران و تاجار روابط بانکی و سرافنی داشته و بواسطه این رابطه تحصیل اعتبار شخصی نموده و در موقع آروم و احتیاج کمک به عایدات دولتی بنمایند . . . بواسطه این ترتیب عافیت دولت به بهترین تشکیلات تجارتهای نایل گردیده که اجرای امور یومیه او هیچ وقت بمسئله تعویق نیفتد (در ترتیب باطرز مالیه فرانسه)

ما را کیزد دیگر که همیشه از این ترتیب راضی بوده زیرا خود نیز تا یکدرجه مسبب آن بوده است اینطور میگفتند: فعالیت و نظم و ترتیب این اصل مالیه بعد از یک موضوع مورد تمسین و تمجید نامه اول خارجه خواهد گردید آیا این مسئله صحیح است و تمام دول خارجه این ترتیب خارجه داری فرانسه را تمجید می نمایند؟ آیا در بعضی اشکله تقلید نموده باشند برخلاف این ترتیب اصولی مقرر نموده اند؟ این موضوعی است که بزودی از آن بحث خواهیم نمود.

آیا باز سزاوار است بگوئیم : که متجددین خودیستند هستند که بواسطه حسادت یا فلسفه های غیر قابل عملی سعی نموده و ما این هستند که این ترتیب اثره خوب و مفید را از اعتبار انداخته و آری به پرخرجی مهم نمایند ؟

برای دانستن حقیقت مطلب و فهمیدن درجه این تمجیداتی که خیلی مجذولانه بیان شده است در هر صورت بر ما لازم است که اوابع تجدید تشکیلات طرز خزانه داری را که در نزد فرانسه ها حالیه موضوع و مطرح است در جهت نظر در آورده و ترتیب اداره آنرا نیز که در خارجه معمول است مراجعه بنمائیم .